

Recitation of Imam Ali's (a.s) Codex in Light of the Theory of Wise Tawqif: A Narrative and Historical Analysis*

Sayyed Mohammad Mosavi**

Hossain Sattar***

Mortaza Sajjini****

Abstract

This study investigates the historical claim regarding a Qur'anic codex (*muṣḥaf*) compiled by Imam Ali (AS), reportedly arranged in the chronological order of revelation, and its apparent contradiction with the established Islamic doctrine of the divinely ordained (*tawqīfī*) nature of the Qur'an's canonical structure. Employing an analytical-critical methodology, the research systematically evaluates and filters the chain of narrations and historical reports attributed to this specific compilation. The textual and historical analysis concludes that the claim of a strictly revelational sequence cannot be reliably substantiated. As a resolution, the study advances the theory of "wise ordainment" (*al-tawqīf al-ḥakīm*) as a fourth, mediating hypothesis. This framework posits that the canonical order is not the product of mere companionly *ijtihād* nor of purely verbal, phrase-by-phrase revelation (*tawqīf lafẓī*), but rather the result of a gradual, wisdom-based divine guidance. It underscores the supervisory roles of the Prophet (PBUH) and Gabriel in the process, alongside the inherent thematic coherence (*nazm*) of the surahs, as providing a divine-logical basis for the arrangement. The findings indicate that binary theories of absolute *tawqīfī* or mere *ijtihād* are narratively and intellectually insufficient. The most coherent analysis synthesizes the concepts of the "comprehensive content of Ali's *muṣḥaf*" and "wise ordainment." This synthesis preserves the scripture's sanctity and structural integrity while offering a rational explanation for documented historical variations. Therefore, the alleged contradiction is resolved: Imam Ali's (AS) *muṣḥaf* is reinterpreted not as a rival structure but as a complementary, pedagogically focused effort to elucidate the Qur'an's interpretative depth, thereby opening productive avenues for future exegetical and historical research.

Keywords: Analytical-Critical Approach, Descending order, Mushaf of Imam Ali (AS), Restricted nature of the structure of the Quran, Theory of Wise Restriction.

* Received: 2025-11-08 Revised: 2025-12-29 Accepted: 2026-02-07

** Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Humanities, Malayer University, Malayer, Iran. (The Corresponding Author) Email: seyyedmosavi1375@gmail.com

*** Associate Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Letters and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran. Email: sattar@kashanu.ac.ir

**** Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, University of Quranic Sciences and Knowledge, Iran. Email: mortaza.1370@chmail.ir



بازخوانی مصحف امام علی (ع) در پرتو نظریه توقیف حکیمانه؛ تحلیلی روایی و تاریخی*

سیدمحمد موسوی**

حسین ستار***

مرتضی سازجینی****

چکیده

مسئله توقیفی بودن ساختار قرآن کریم در میان مسلمانان همواره جایگاه ویژه‌ای داشته‌است و بسیاری از علمای فریقین بدان تأکید کرده‌اند. از سوی دیگر، گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که امیرالمؤمنین علی (ع) پس از رحلت پیامبر (ص)، اقدام به گردآوری مصحفی کرد که بنا بر برخی روایات، بر اساس ترتیب نزول آیات و سوره تنظیم شده بود. این ادعا به‌ظاهر با باور به توقیفی بودن چنین سوره‌ها در مصحف رسمی تعارض دارد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-انتقادی، به واکاوی روایات و گزارش‌های تاریخی مربوط به مصحف منسوب به امام علی (ع) پرداخته‌است. ضمن بالابین و حذف روایات تکراری یا فاقد اعتبار کافی، تحلیل نهایی نشان می‌دهد که نظریه «توقیف حکیمانه» قول منتخب پژوهش حاضر است. دیدگاه «توقیف حکیمانه» معتقد است که نظم قرآن نتیجه هدایت تدریجی وحی و حکمت الهی است، نه صرفاً توقیف لفظی یا اجتهاد صرف صحابه. نتیجه نهایی پژوهش نشان می‌دهد که فرضیه‌های توقیفی مطلق یا اجتهادی صرف ترتیب، هر دو به‌دلیل روایی، تاریخی و عقلی ناکامل‌اند و بهترین تحلیل علمی مربوط به نظریه‌های جامعیت محتوایی مصحف علی (ع) و توقیف حکیمانه است که ضمن حفظ فداست و انسجام قرآن، اختلاف‌های تاریخی را به‌نحو عقلانی توضیح می‌دهند و راهگشای تحقیقات آتی در این حوزه خواهند بود. در نتیجه، تضاد ادعایی میان مصحف امام علی (ع) و مصحف رسمی مسلمانان، قابل رفع است و چنین مصحفی نه در تعارض با توقیفی بودن ساختار قرآن، بلکه در راستای تبیین، آموزش و حفظ بعد تفسیری آن قابل تحلیل است. کلیدواژه‌ها: مصحف امام علی (ع)، توقیفی بودن ساختار قرآن، ترتیب نزولی، نظریه توقیف حکیمانه، رویکرد تحلیلی-انتقادی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸
** استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (نویسنده مسئول)
seyyedmosavi1375@gmail.com ایمیل:
*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
sattar@kashanu.ac.ir ایمیل:
**** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ایران. ایمیل:
mortaza.1370@chmail.ir



۱. مقدمه و بیان مسأله

یکی از موضوعات مهم و دیرپای علوم قرآنی، مسأله تفاوت ترتیب مصحف منسوب به امام علی (ع) با قرآن موجود است؛ موضوعی که نه تنها در روایات شیعی بلکه در برخی گزارش‌ها و متون مرتبط با دولت موعود و تعلیم قرآن در عصر ظهور نیز بازتاب یافته است (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۶۵).

در برخی از روایات بیان شده است که مصحف علی (ع) «کما أنزل الله» تنظیم شده و به ترتیب نزول سوره‌ها سامان یافته است؛ حال آن که مشهور، میان قرآن‌پژوهان آن است که چنین فعلی سوره‌ها توقیفی بوده و به دستور پیامبر اکرم (ص) و تحت هدایت الهی انجام شده است (خویی، بی‌تا: ۳۴۶-۳۲۱). از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه امام علی (ع)، که از برجسته‌ترین یاران و کاتبان وحی بوده، می‌توانسته قرآن را برخلاف ترتیب توقیفی رایج، بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها تنظیم کند؟ به‌ویژه آن که نه در دوران خلافت ایشان و نه در کلمات اهل بیت (ع)، نشانه‌ای از ترویج یا اصرار بر این نوع چینش مشاهده نمی‌شود.

۱-۱. ضرورت پژوهش

این مسأله، از حیث کلامی و تاریخی، پیامدهایی در پی دارد: اگر چینش تنزیلی به‌عنوان دیدگاه امام علی (ع) پذیرفته شود، این پرسش مهم‌تر می‌شود که چرا آن حضرت از این ترتیب دفاع نکرد و در برابر جمع قرآن به‌دست خلفا سکوت اختیار فرمود؟ افزون بر این، اگر ترتیب فعلی قرآن توقیفی و مورد تأیید پیامبر (ص) بوده باشد، تغییر در آن به‌دست امام علی (ع) می‌تواند به شبهه تحریف در ساختار قرآن منجر شود (فیض کاشانی، ۱۳۷۷: ۱۳۰). در این زمینه، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است که می‌توان آن‌ها را در چند فرضیه کلی دسته‌بندی کرد:

- (الف). فرضیه توقیفی بودن کامل ترتیب سوره‌ها بر اساس دستور پیامبر.
- (ب). فرضیه اجتهادی بودن ترتیب سوره‌ها پس از پیامبر به‌دست صحابه.
- (ج). فرضیه نظر میانه که ترکیبی از توقیفی بودن بخشی از نظم و اجتهادی بودن بخش دیگر را مطرح می‌کند.
- (د). فرضیه چهارم که «توقیف حکیمانه» نامیده شده، دیدگاهی نوین و میانجی است که نظم کنونی سوره‌های قرآن را نه به‌صورت توقیف لفظی

صریح پیامبر و نه صرفاً اجتهاد صحابه، بلکه به حکمت الهی و هدایت تدریجی وحی نسبت می‌دهد. این دیدگاه از شواهد روایی نظیر نظارت پیامبر و جبرئیل بر قرآن و انسجام مضمونی بین سوره‌ها بهره‌می‌گیرد و سعی می‌کند که تفاوت‌های میان مصحف‌های اولیه و فعلی را توجیه کند. این نظریه چهارچوبی علمی‌تر و منطقی‌تر برای فهم ترتیب سور قرآن ارائه می‌دهد که ضمن حفظ قداست قرآن، اختلاف‌های تاریخی را نیز به نحوی عقلانی توضیح می‌دهد.

با توجه به این فرضیه‌ها، این پژوهش با رویکردی تحلیلی-انتقادی و مبتنی بر بررسی مستندات تاریخی، روایی و کلامی، درصدد است تا نسبت مصحف امام علی (ع) به قرآن موجود را به‌دقت بازشناسی کند و نشان دهد که آیا می‌توان اختلاف ظاهری در ترتیب را با فهمی ساختارمند و الهیاتی تبیین کرد، به‌گونه‌ای که ضمن حفظ قداست قرآن و رد شبهه تحریف، نقش ویژه مصحف علی (ع) در تعلیم و ترویج قرآن در عصر ظهور نیز روشن شود. این نگاه می‌تواند مبنایی نوین برای تحلیل مسائل ترتیب قرآن و کاربردهای آن در جامعه توحیدی و قرآنی آینده فراهم آورد.

۳-۱. پیشینه پژوهش

مطالعات مرتبط با مصحف منسوب به امام علی (ع) را می‌توان در قالب چهار جریان اصلی دسته‌بندی کرد:

الف). جریان اثبات‌گرا

همچون جعفر مرتضی عاملی در کتاب «حقایق الهامه حول القرآن الکریم»؛ این جریان با استناد به روایات، هرگونه تعارض بین مصحف امام علی (ع) و قرآن موجود را رد و تفاوت‌ها را در سطح تفسیری یا ترتیب نزول تفسیر می‌کند.

ب). جریان تاریخ‌مدار

پژوهشگرانی چون نصرالله نکونام در کتاب «پژوهشی در مصحف امام علی»، با تکیه بر داده‌های تاریخی و نسخه‌شناسی، بر وحدت ساختاری مصاحف نخستین تأکید می‌ورزند و دیدگاه‌هایی نسبتاً محافظه‌کارانه درباره توقیفی بودن ترتیب فعلی قرآن مطرح می‌کنند.

ج). جریان تفسیر محور

آثاری مانند تحقیقات فقهی‌زاده در کتاب «پژوهشی در نظم قرآن»، می‌کوشند که ساختار و نظم درونی قرآن را با محوریت روابط میان سوره‌ای، تحلیل و ظرفیت‌های نهفته در مصحف را برای تفسیر ساختاری آشکار کنند.

د). جریان تطبیقی

به عنوان نمونه می‌توان از مطالعاتی مانند مقاله «نقد و بررسی روایات اهل سنت درباره ترتیب نزولی بودن مصحف امام علی (ع)»، اثر مقیمی‌نژاد و همکاران نام برد. این دسته با مقایسه روایات شیعه و اهل سنت درباره مصحف امام علی (ع)، به بررسی خاستگاه‌های معرفتی این روایت‌ها در دو سنت می‌پردازند و می‌کوشند که زمینه‌های ظهور این مفاهیم را از منظر کلامی-تاریخی تحلیل کنند.

۴-۱. خلأهای روش‌شناختی قابل شناسایی

با وجود تنوع در پژوهش‌های پیشین، سه چالش روش‌شناختی عمده در تحلیل موضوع مصحف امام علی (ع) دیده می‌شود:

الف). غفلت از تحلیل چندلایه روایات

بیشتر مطالعات تنها به سطح سندی-لفظی روایات بسنده کرده‌اند و از تحلیل‌های معنایی-ساختاری، به‌ویژه با تکیه بر مفاهیمی چون «کما أنزل» و «ظاهره و باطنه» غفلت ورزیده‌اند.

ب). تقلیل‌گرایی در مفهوم توقیف

در آثاری چون «پژوهشی در مصحف امام علی»، نوشته نصر الله نکونام، توقیفی بودن ترتیب آیات تنها به معنای چینش مکانیکی دیده شده است؛ بدون در نظر گرفتن امکان «توقیف حکیمانه» مبتنی بر حکمتی فراتر از زمان و مکان.

ج). عدم تفکیک سطوح ظهور و کارکرد تفسیری

بیشتر آثار صرفاً به ماهیت مصحف در عصر ظهور پرداخته‌اند، بدون این‌که ظرفیت‌های آن را برای خوانش‌های تمدنی معاصر بررسی کنند. در حالی‌که می‌توان با الهام از دیدگاه‌هایی چون نظریه «وحی به مثابه فرایند» (نصر حامد ابوزید) و «قرائت تمدنی از متن» (سیدحسین نصر)، مصحف را بستری برای مواجهه نوین با متن مقدس در نظر گرفت.

۲. مبانی نظری پژوهش

بر این اساس، پژوهش حاضر با عبور از دوگانه «تحریف/عدم تحریف» تلاش دارد که الگویی سه‌سطحی ارائه دهد:

۱. سطح توصیفی: تحلیل روایات با استفاده از روش کیفی-محتوایی

۲. سطح تطبیقی: مقایسه روایات و ساختار مصحف با سنت‌های اهل کتاب

و تفسیر ساختاری

۳. سطح کارکردی: بررسی ظرفیت‌های مصحف امام علی (ع) در پاسخ‌گویی به نیازهای تفسیری امروز
در این الگو، تنزیلی بودن مصحف نه به‌عنوان رقیب قرآن موجود، بلکه به‌مثابه الگویی برای خوانش تأویلی و ساختاری از وحی در بستر تمدن اسلامی امروز معرفی می‌شود.

۱-۲. مصحف

واژه «مصحف» از ریشه «صَحَفَ» مشتق شده و بر وزن «مُفْعَل» به‌معنای چیزی است که در آن نوشته می‌شود. جمع آن «صَحَاف» و «صُحُف» و «صُحُف» آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۸۶/۹). فراهیدی، صاحب‌العین، مصحف را «جامع نوشته‌های میان دو جلد» معرفی می‌کند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۹۷۱/۲). بنابراین، مفهوم مصحف ناظر بر مجموعه‌ای از اوراق است که نوشته‌هایی در آن گرد آمده و به‌شکل مجلد درآمده‌باشد. از هری نیز این معنا را تقویت می‌کند و مصحف را «جامع صحیفه‌های مکتوب» می‌داند (ابن منظور، همان، فصل الصاد المهمله، حرف ف).

از زاویه تحلیل ریشه‌شناختی نیز، احمد بن فارس تصریح می‌کند که واژه «صحف» بر گسترش و انبساط چیزی دلالت دارد و از همین رو به صفحه‌ای که بر آن چیزی نوشته می‌شود «صحیفه» گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۳۳۴/۳). زمخشری نیز بر همین مبنا، «صحیفه» را به «قطعه‌ای از پوست یا کاغذ که چیزی بر آن نوشته شده‌باشد» معنای می‌کند (زمخشری، ۱۳۹۹: ۲۴۹)

۲-۲. جمع قرآن

مفهوم «جمع قرآن» نیز از واژگانی است که در مراحل گوناگون تاریخی، کاربردها و معانی متنوعی به‌خود گرفته است. در لغت، «جمع» به‌معنای گردآوری و افزودن چیزی به چیز دیگر است (قرشی، ۱۳۷۷: ۴۷/۳). ابن منظور نیز آن را در معنای «جَمَعَ الشَّيْءَ عَنْ تَفْرِقِهِ» (گردآوری چیزی پراکنده) به‌کار برده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۳/۸)

در تحلیل تاریخی قرآن، مفهوم «جمع» طی چهار مرحله معنایی تحول‌یافته است: ۱. حفظ شفاهی قرآن ۲. نگارش پراکنده آیات ۳. تدوین یک‌جا در یک مجموعه ۴. تثبیت قرائت و رسم‌الخط در قالب نهایی (رامیار، ۱۳۶۹: ۲۱۲)

بنابراین، واژه «جمع» در فرهنگ قرآنی، تنها ناظر به یکی از این مراحل (مثلاً حفظ یا کتابت) نیست، بلکه مفهومی سیال و چندمرحله‌ای دارد. لذا تقلیل آن به یک معنا - مثلاً فقط حفظ یا فقط کتابت - نادرست است و نوعی «ترجیح بلا مرجح» است. چنان‌که از تحلیل محققان قرآن‌پژوه نیز برمی‌آید، گسترهٔ معنایی «جمع قرآن» باید تمام مراحل حفظ، کتابت، تدوین ساختاری و تثبیت قرائت را دربرگیرد.

۳. بحث اصلی

۳-۱. بررسی ساختار مصحف امیرالمؤمنین علی (ع) بر پایهٔ روایات

اصل وجود مصحفی منسوب به امیرالمؤمنین علی (ع) از جمله مسلمات مورد اتفاق میان عالمان شیعه و اهل سنت است و منابع معتبر فریقین نیز به آن تصریح کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۵۷/۱؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۲۵۸/۲-۲۵۷). اما آنچه در میان پژوهشگران علوم قرآنی مورد گفت‌وگو است، چگونگی ترتیب سوره‌ها و ساختار چینشی این مصحف است.

بر اساس تتبعی گسترده در منابع فریقین، حدود چهل روایت پیرامون مصحف امام علی (ع) به‌دست آمده که برخی از پژوهشگران، با تکیه بر تعبیری چون «کما أنزل» و «کما نزل»، مصحف آن حضرت را دارای چینش تنزیلی دانسته‌اند. با این‌حال، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که این روایات عمدتاً ناظر بر جامعیت و حجیت محتوایی مصحف امام علی (ع) بوده‌اند، نه لزوماً ترتیب تاریخی سور بر مبنای نزول. در این بخش، مهم‌ترین روایات با حذف موارد تکراری بررسی می‌شود تا نسبت آن‌ها با ساختار مصحف و نیز با روایت بنیادین امام باقر (ع) در الإرشاد روشن شود.

۳-۱-۱. روایت اول: گزارش امام صادق (ع)

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ هَاشِمٍ عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي سَلْمَةَ [سَلْمَةَ] قَالَ: أَخْرَجَهُ عَلِيٌّ إِلَى النَّاسِ حَيْثُ فَرَّغَ مِنْهُ وَ كَتَبَهُ، فَقَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ» (صفار، ۱۴۰۴: ۲۴۶/۱).

بررسی سندی و دلالتی:

سند این روایت که صَفَّار قمی در بصائر الدرجات نقل کرده، به شرح زیر است: «محمد بن الحسن بن فروخ، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن عبدالرحمن بن أبي هاشم، عن أبي سلمة سالم بن مكرم»

بررسی اعتبار این سند، حکایتی از اختلاف آرای رجالیان را نشان می‌دهد که در نهایت، موضع احتیاط را در قبال آن ایجاب می‌کند.

• محمد بن الحسن بن فروخ: وی از راویان موثق و بلندپایه است (نجاشی، بی تا: ۳۵۴/۱). و علامه حلی در الخلاصه (حلی، ۱۳۸۱ق: ۱۵۷/۱)، به صراحت او را «ثقة جلیل» توصیف کرده است. این جایگاه رفیع، آغاز سند را بسیار استوار می‌کند.

• محمد بن الحسین بن ابی الخطاب: این راوی نیز از جمله ثقات مورد اعتماد است. (نجاشی، بی تا: ۳۳۴/۱) و کشی (کشی، ۱۴۰۹ق: ۷۹۶/۲)، او را «ثقة» دانسته و علامه حلی (حلی، ۱۳۸۱ق: ۱۴۱/۱) بر وثاقت او تأکید کرده و او را «ثقة عین» معرفی کرده است. این بخش از سند نیز کاملاً معتبر است.

• عبدالرحمن بن محمد بن ابی هاشم: وی نیز همانند دو راوی پیشین، از چهره‌های معتمد است. نجاشی (نجاشی، بی تا: ۲۳۶/۱) و علامه حلی (حلی، ۱۳۸۱ق: ۱۱۴/۱) او را «ثقة ثقة» می‌دانند که این تعبیر، حاکی از تأکید بسیار بر وثاقت او است.

• ابوسلمة سالم بن مکرم (مشهور به سالم جهنی): اینجا نقطه اختلاف و ضعف اساسی در سند قرار دارد. در مورد وی میان رجالیان بزرگ اختلاف نظر جدی وجود دارد: از یک سو، نجاشی (نجاشی، بی تا: ۱۸۸/۱). او را «ثقة ثقة» می‌داند، از سوی دیگر، شیخ طوسی در الفهرست (طوسی، ۱۲۷۱ق: ۲۲۶/۱) به صراحت او را «ضعیف» می‌خواند. علامه حلی (حلی، ۱۳۸۱ق: ۲۲۷/۱) نیز در قضاوت درباره او توقف کرده و «متوقف فیه» می‌گوید. با توجه به آرای رجالی مذکور، درباره سند این روایت سه دیدگاه قابل تصور است:

۱. به استناد نظر شیخ طوسی: با توجه به تضعیف سالم بن مکرم، سند روایت ضعیف محسوب می‌شود.

۲. به استناد نظر نجاشی: با پذیرش توثیق «ثقة ثقة» سالم بن مکرم از سوی نجاشی، تمام راویان این سند ثقة هستند و روایت، واجد سند صحیح یا حسن است.

۳. دیدگاه احتیاطی (توقف): با توجه به تعارض آراء و توقف علامه حلی، نمی‌توان به این سند جزم پیدا کرد.

با استناد به قواعد ترجیح در علم رجال، دیدگاه دوم (اعتبار سند) قابل ترجیح است و روایت را قابل استناد می‌کند. دلایل این ترجیح عبارت است از: الف). اولویت توثیق نجاشی: نجاشی (احمد بن علی النجاشی) به عنوان یکی از دقیق‌ترین و معتبرترین رجالیان شیعه شناخته می‌شود. در موارد

تعارض آرای رجالی، توثیق او از وزنهٔ علمی بالایی برخوردار است. توصیف او با عبارت تأکیدی «ثقة ثقة»، بر شدت اعتمادش به سالم بن مکرّم دلالت دارد و این نظر را در مقام تعارض با دیگران، قوی‌تر می‌کند.

(ب). شاهدهای خارجی: محتوای این روایت که بر اصالت و سلامت قرآن تصریح دارد، با مضامین مسلم و قطعی دیگر روایات اهل بیت (ع) دربارهٔ مصونیت قرآن از تحریف، همخوانی کامل دارد. این هماهنگی محتوایی، می‌تواند به‌عنوان مؤیدی برای صحت سند و فرینه‌ای برای پذیرش نظر نجاشی عمل‌کند.

(ج). تضعیف بدون ذکر دلیل: تضعیف شیخ طوسی از سالم بن مکرّم، در صورتی که از طرف نجاشی که در توثیق خود مُصر است رد شده، نیازمند دلیل مشخصی است که در کتب رجالی به آن اشاره نشده است. در چنین مواردی، قاعده بر این است که به نظر مثبت (نجاشی) عمل شود، مگر این‌که دلیل قانع‌کننده‌ای برای تضعیف ارائه شود.

در ظاهر این روایت، تعبیر «کما أنزل الله» ممکن است به برداشت ترتیب تنزیلی منجر شود، اما تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که این تعبیر ناظر به بی‌نقص بودن و اصالت الهی محتوا است، نه الزاماً نظم نزول. مطابق تبیین روایات دیگر، به‌ویژه روایت پنجم (ظاهره و باطنه)، این عبارت را باید در چهارچوب جامعیت و تمامیت وحی الهی فهم کرد. ضمیر «ه» در «کما أنزل» به کتاب باز می‌گردد که به‌معنای منظومه‌ی کامل شریعت است.

۳-۱-۲. روایت دوم: وصیت پیامبر (ص) به امام علی (ع)

«قال علی» هذا کتاب الله قد ألقته كما أمرنی و أوصانی رسول الله كما أنزل» (مجلسی، بی‌تا: ۳۸/۲۸).

بررسی سندی و دلالتی:

مرحوم مجلسی در بحار الأنوار، سند کامل این روایت را ذکر نکرده و آن را به‌صورت مرسل نقل کرده است. این مسأله، بزرگترین چالش در مسیر اعتبارسنجی سندی این روایت به‌شمار می‌رود. بدون دسترسی به سند و روایان آن، ارزیابی مستقیم وثاقت روایان یا بررسی انقطاع در سند ممکن نیست. بنابراین، در نگاه اول، این روایت از جهت سندی «ضعیف» محسوب می‌شود.

با این حال، محتوای روایت از لحاظ دلالتی دارای وجوه قوت قابل توجهی است که آن را برای تحلیل و استشهاد ارزشمند می‌کند:

۱. دلالت بر امر و وصیت پیامبر (ص): صراحت روایت در به‌کار بردن فعل‌های «امرنی» (به من فرمان داد) و «أوصانی» (به من وصیت کرد)، نشان‌دهندهٔ آن است که تدوین این مصحف، یک سفارش و دستور

مستقیم و مؤکد از سوی پیامبر اکرم (ص) بوده است. این امر، عمل امام علی (ع) را از سطح یک ابتکار شخصی فراتر می‌برد و به آن قداست و اعتبار دینی می‌بخشد.

۲. **تفسیر عبارت کما أنزل:** کلید تفسیری روایت، در فهم درست عبارت «کما أنزل» نهفته است. این تعبیر را می‌توان به دو گونه معنا کرد که تنها یکی از آن‌ها به «ترتیب نزول» اشاره دارد:

(الف). ترتیب نزول: به این معنا که امام مصحف را دقیقاً به ترتیبی که آیات نازل شده‌اند، تدوین کرده است.

(ب). جامعیت و امانتداری: به این معنا که امام، قرآن را به‌طور کامل، بدون کاستی یا افزودن و بدون هیچ‌گونه تحریفی، همان‌گونه که نازل شده بود، گردآوری کرده است. این معنا بر «صحت و تمامیت» محتوا تأکید دارد، نه لزوماً بر «ترتیب» آن.

۳. **قرینه‌سازی با روایات دیگر:** با توجه به شواهد و قراین متعدد از سایر روایات که بر مصونیت قرآن از تحریف و جامعیت مصحف امام علی (ع) (شامل تفسیر و تأویل) دلالت دارند، به‌نظر می‌رسد تفسیر دوم (جامعیت و امانتداری) بسی منطقی‌تر و هماهنگ‌تر با منظومه اعتقادی شیعه است. این روایت، در این چهارچوب، بر امانتداری بی‌بدیل امام علی (ع) در حفظ و ثبت تمام و کمال وحی الهی تأکید می‌کند.

اگرچه این روایت به‌دلیل ارسال سند، از اعتبار سندی کامل برخوردار نیست، اما محتوای آن غنای دلالتی بالایی دارد. این روایت به‌خوبی نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) شخصاً بر حفظ و تدوین قرآن تأکید داشته و این مسئولیت خطیر را به وصی خود، امام علی (ع) سپرده‌اند. بنابراین، می‌توان از این روایت به‌عنوان یک شاهد تاریخی و مکمل در کنار روایات معتبر دیگر استفاده کرد تا بر اهمیت مصحف امام علی (ع) و نقش ایشان در پاسداری از اصالت متن قرآن، صحه گذاشته‌شود. در نهایت، دلالت روایت بر «ترتیب نزول» محل تردید جدی است و تأکید اصلی آن بر «امانتداری در نقل کامل و بدون تحریف وحی» است.

۳-۱-۳. روایت سوم: جامعیت کامل مصحف

«إن كل آية أنزلها الله جل و اعلى على محمد عندي بإملاء رسول الله و خط يدي...» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۵۳).

بررسی سندی و دلالتی:

این روایت در کتاب «الاحتجاج» طبرسی آمده که یک اثر «احتجاجی» است و نویسنده در این‌گونه آثار، اغلب به‌دنبال نقل استدلال‌های محکم و

متن‌های پرمحتوا است، حتی اگر از نظر سندی با ضعف مواجه باشند. طبرسی در بسیاری از موارد، اسناد روایات را حذف کرده و این روایت نیز از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین، ارزیابی مستقیم وثاقت روایان این روایت ممکن نیست و روایت از این بابت، مرسل و در نتیجه از اعتبار سندی کامل برخوردار نیست. با این وجود، اهمیت محتوایی آن، تحلیل دلالتی را ضروری می‌کند.

دلالت این روایت بسیار روشن، قوی و دارای چندین لایه کلیدی است:

۱. جامعیت کمی: «كُلُّ آيَةٍ... عُنْدِي» (همه آیات نزد من است): این عبارت، ادعایی مطلق و بی‌چون و چرا درباره حفظ تمام و کمال هر آیه‌ای است که بر پیامبر نازل شده است. این صراحت، هرگونه شائبه نقصان، حذف یا فراموشی در فرایند جمع‌آوری قرآن را به کلی رد می‌کند.

۲. اعتبار در ثبت: «بِأَمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ وَ حَظِّ يَدِي» (به املاي رسول الله و دستخط خودم): این بخش از روایت، بر بالاترین سطح ممکن از دقت و امانتداری در ثبت قرآن تأکید دارد. این کتاب، حاصل «املاي» مستقیم پیامبر (ص) به عنوان دریافت‌کننده وحی و «دستخط» امام علی (ع) به عنوان امین و وصی او است. این ترکیب، بالاترین درجه از صحت و اعتبار را برای این مصحف تضمین می‌کند.

۳. با توجه به صراحت روایت بر موضوع «کمیت» و «کیفیت ثبت» آیات، هیچ اشاره‌ای به مسأله «ترتیب» سوره‌ها یا آیات نمی‌شود. محور اصلی روایت، اثبات وجود کامل و مکتوب تمام آیات نزد امام است. بنابراین، استنباط هرگونه نظریه درباره ترتیب تنزیلی یا غیرتنزیلی از این روایت، خروج از دلالت صریح متن و نوعی «تحمیل نظر» بر آن است.

۳-۱-۴. روایت چهارم: احتجاج با زندق

«فِي كِتَابِ الْإِحْتِجَاجِ لِلطَّبْرَسِيِّ (ره) عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدِيثٌ طَوِيلٌ يَقُولُ فِيهِ وَ قَدْ ذَكَرَ أَعْدَاءَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الْمُلْحِدِينَ فِي آيَاتِ اللَّهِ: وَ لَقَدْ أَحْضَرُوا الْكِتَابَ كَمَلًا مُشْتَمِلًا فَعَلَى التَّأْوِيلِ، وَ التَّنْزِيلِ، وَ الْمُحْكَمِ وَ الْمُتَشَابِهِ، وَ النَّاسِخِ وَ الْمُنْسُوخِ وَ لَمْ يَسْفُطْ مِنْهُ حَرْفٌ الْفِ وَ لَا لَامٌ، (حویزی، ۱۴۱۵: ۱/۴۲۱).

بررسی سندی و دلالتی:

این روایت نیز همانند روایت پیشین، از کتاب «الاحتجاج» طبرسی نقل شده و در تفسیر «نور الثقلین» حویزی بازتاب یافته است. با توجه به حذف سند از طرف طبرسی، این روایت مرسل محسوب می‌شود و اعتبار سندی آن بر اساس منابع متعارف رجالی قابل احراز نیست. دلالت این روایت به وضوح

بر جامعیت محتوایی و ساختاری مصحف امام علی (ع) تأکید دارد. عبارت «كَمَلًا مُشْتَمَلًا عَلَى التَّوِيلِ وَ التَّنْزِيلِ...» نشان می‌دهد که این مصحف، افزون بر متن قرآن (تنزیل)، شامل تفسیر، تأویل، آیات محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ نیز بوده است. تأکید بر این که «حتی یک حرف الف یا لام نیز از آن افتاده نیست»، بر کمیت کامل و تمامیت متن صحه می‌گذارد. این روایت به روشنی نحوه ترتیب و چینش سوره‌ها (اعم از ترتیب تنزیلی یا غیره) را موضوع بحث خود قرار نداده است، بلکه بر غنا و عمق محتوایی مصحف و دارا بودن تمامی عناصر لازم برای فهم و تفسیر قرآن تأکید دارد. بنابراین، استناد به این روایت برای اثبات «ترتیب تنزیلی» مصحف امام علی (ع)، خارج از دلالت صریح متن است.

۳-۱-۵. روایت پنجم: روایت امام باقر (ع) درباره جامعیت قرآن نزد اوصیاء

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ الْمُنْخَلِّ عَنْ جَابِرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدَّعِيَ أَنْ عِنْدَهُ جَمِيعُ الْقُرْآنِ، ظَاهِرُهُ وَ بَاطِنُهُ، غَيْرِ الْأَوْصِيَاءِ» (کلینی، بی‌تا: ۲۲۸/۲).

بررسی سندی و دلایلی:

در سند روایت پیش‌گفته راویان زیر نام برده شده‌اند:

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ: از راویان موثق و مورد اعتماد که با تعبیر «ثقة عین» در منابع معتبر رجالی توصیف شده است (النجاشی، بی‌تا: ۳۳۴/۱؛ الحلّی، بی‌تا، ۱/۱۴۱).

۲. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ يَحْيَى: وی نیز از ثقات بوده و با وصف «ثقة عین» تأیید شده است (النجاشی، بی‌تا: ۳۵۳/۱؛ الحلّی، بی‌تا: ۱/۱۵۷).

۳. مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانَ: درباره این راوی آرای متفاوتی وجود دارد. هرچند برخی منابع او را تضعیف کرده‌اند (الطوسی، رجال، بی‌تا: ۳۶۴/۱؛ النجاشی، بی‌تا: ۱/۳۲۸)، اما باید توجه داشت که محمد بن سنان از راویان پرکاربرد در میراث حدیثی شیعه است و بسیاری از محدثان متأخر با اتکا به شهرت و کثرت روایات او، به روایاتش عمل کرده‌اند. همچنین در مواردی که روایت او با قرائن دیگر همراه باشد، قابل اعتنا است.

۴. عَمَّارُ بْنُ مَرْوَانَ: وی راوی موثقی است که با عنوان «ثقة» در منابع رجالی ثبت شده است (نجاشی، بی‌تا: ۲۹۱/۱؛ الحلّی، ۱۳۸۱ق: ۱/۱۲۸).

۵. الْمُنْخَلُّ بْنُ جَمِيلٍ: اگرچه برخی منابع این راوی را تضعیف کرده‌اند، اما باید توجه داشت که تضعیف المنخل از طرف برخی رجالین، نافی مطلق اعتبار روایات او نیست، به‌ویژه هنگامی که روایت او با طرق دیگر یا قرائن داخلی همراه باشد.

۶. جابر بن یزید الجعفی: درباره این راوی آرای متعارضی وجود دارد. از یکسو کشی او را «ثقة جلیل» دانسته (کشی، ۴۰۹/۱ق: ۴۴۶/۲) و از سوی دیگر نجاشی به «اختلاط در امر او» اشاره کرده است (کشی، ۴۰۹/۱ق: ۱۲۸/۱) با این وجود، جابر الجعفی از راویان مهم و پراحتجاج در سنت حدیثی شیعه است و علمای بزرگی چون علامه مجلسی با توجه به جایگاه ویژه او، بسیاری از روایاتش را معتبر دانسته اند.

این سند با وجود برخی چالش‌های رجالی، از امتیازات قابل توجه زیر برخوردار است: ابتدای سند بر دو راوی ثقة عین در حلقه‌های اول، کثرت استناد به راویانی مانند محمد بن سنان و جابر الجعفی در میراث حدیثی و همخوانی محتوای روایت با دیگر روایات مسلم در باب مصحف امام علی (ع).

با در نظر گرفتن قاعده تسامح در ادله سنن و شهرت عملی این راویان در میان محدثان متأخر، می‌توان این روایت را در زمره روایات قابل استناد در موضوع مصحف امام علی (ع) دانست. به سخن دیگر این روایت کلیدی، نقطه پیوند مستقیم با روایت مشهور امام باقر (ع) در الإرشاد است که فرمود: «لو وُجد المصحف الذی کتبه علی لکفی الناس». منظور این است که مصحف امام علی (ع) جامع ظاهر و باطن وحی بود و چنان تفسیر، احکام و معارفی را در برداشت که امت را از دیگر منابع بی‌نیاز می‌کرد. لذا وجه محوری روایت، جامعیت معرفتی و راهبردی این مصحف است.

۳-۱-۶. روایت ششم: انحصار جمع کامل قرآن در امام علی و اوصیاء

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا إِذَعَى أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ كَمَا أَنْزَلَ إِلَّا كَذَّابٌ وَ مَا جَمَعَهُ وَ حَفِظَهُ كَمَا نَزَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» (کلینی، بی‌تا: ۲۲۸/۱).

بررسی سندی و دلالی:

نخستین راوی این سند، محمد بن یحیی ابو جعفر العطار است که بنا بر تصریح نجاشی «ثقة عین» (النجاشی، بی‌تا: ۳۵۳/۱) و نیز در خلاصه الأقوال علامه حلی «ثقة عین» توصیف شده است (حلی، ۱۳۸۱ق: ۱۵۷/۱). پس از او، أحمد بن محمد بن عیسی، رئیس قمیین، قرار دارد که منابع متعدد رجالی بر وثاقت مطلق او تأکید کرده اند: طوسی او را «ثقة» ذکر می‌کند (الطوسی، ۱۳۷۳ش: ۳۵۱/۱) و حلی وی را «ثقة جلیل» دانسته است (حلی، ۱۳۸۱ق: ۱۳/۱). همچنین در الفهرست طوسی (طوسی، ۱۲۷۱ق: ۶۰/۱) و

رجال النجاشی (النجاشی، ۱۴۰۷ق: ۸۱/۱) بر جلالت شأن او تأکید شده و نجاشی او را «معتمد عند الأصحاب» معرفی کرده است (النجاشی، ۳۷۳ش: ۵۹/۱).

حلقه سوم سند، الحسن بن محبوب السرد (ابن محبوب) است که بدون تردید از ثقات و بزرگان اصحاب شمرده شده است؛ طوسی او را «ثقة» می‌خواند (الطوسی، ۳۷۳ش: ۳۵۴/۱) و حلی وی را «ثقة جلیل» معرفی می‌کند (حلی، ۱۳۸۱ق: ۳۷/۱). همچنین نجاشی (النجاشی، ۴۰۷ق: ۸۲/۱) و دیگر آثار رجالی مانند اختیار معرفة الرجال (۷۹۹/۲) به وثاقت او تصریح کرده‌اند.

اما مهم‌ترین موضع اختلاف در سند، دو راوی پایانی هستند: عمرو بن ابی المقدم و جابر بن یزید الجعفی.

درباره عمرو بن ابی المقدم (ثابت بن هرمز)، اقوال رجالی متفاوت است. ابن داود بر اساس نقل برقی، او را در شمار ثقات آورده است (البرقی، بی‌تا: ۴۸۷/۱). در مقابل، ابن‌الغضائری او را «ضعیف جداً» دانسته است (ابن‌الغضائری، ۴۲۲ق: ۷۳/۱). با این حال، حلی درباره او می‌نویسد: «قامت علی عدالته قرینة» (حلی، ۱۳۸۱ق: ۱۲۰/۱) که نشانه‌ای از پذیرش اعتبار روایات او است. همچنین، در اختیار معرفة الرجال او در شمار «ممدوحان» یاد شده است (کشی، ۴۰۹ق: ۶۹۰/۲). مجموعه این اقوال، به‌ویژه با توجه به نقل اصحاب اجماع از او، موجب می‌شود که عمرو بن ابی المقدم را بتوان در حد معتبر یا حسن‌الحديث ارزیابی کرد.

راوی پایانی، جابر الجعفی، از معروف‌ترین شخصیت‌های مورد اختلاف در رجال است. نجاشی درباره او می‌گوید: «أمره مختلط» (النجاشی، ۴۰۷ق: ۱۲۸/۱)، و در عین حال گزارش می‌کند که برخی ضعف‌ها به او نسبت داده‌اند. در مقابل، کشی در موارد متعدد او را «ثقة جلیل» می‌داند (کشی، ۴۰۹ق: ۴۴۶/۲) و حتی در نقل‌هایی او را «ثقة عند العامة» معرفی کرده است (همان: ۴۴۳). همچنین مجموعه‌ای از روایات کشی نشان می‌دهد که جابر نزد امام باقر و صادق (ع) منزلت ویژه‌ای داشته و در میان اصحاب پیش‌دستانه نقل حدیث کرده است.

هرچند برخی او را به غلو متهم کرده‌اند (کشی، ۴۰۹ق: ۴۳۷/۲- ۴۳۶)، اما نقل‌های فراوان قدما از او، همراه با توصیف‌های مکرر در مدحش (همان: ۶۷۱؛ ۴۳۸)، نشان می‌دهد که وی دست کم در حد ممدوح و «صدوق» قابل اعتماد بوده است؛ هرچند روایت او در مواردی نیاز به احتیاط دارد. با توجه به وثاقت کامل سه راوی نخست و اعتبار قابل قبول دو راوی پایانی (عمرو بن ابی المقدم و جابر الجعفی)، می‌توان سند روایت را معتبر و

در حدّ «مؤثّق» ارزیابی کرد؛ هرچند به دلیل اختلاف در دو راوی پایانی، نمی‌توان آن را «صحیح» به معنای اصطلاحی دانست. دلالت روایت ناظر به این نکته است که «جمع قرآن کما أنزل» تنها نزد امام علی (ع) و ائمه پس از او تحقق یافته است. تعبیر «کما أنزل» در روایات امامیه معمولاً به معنای جمع قرآن همراه با اسباب نزول، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و تفسیر و تأویل نازل شده همراه قرآن است، نه ادعای وجود نقص یا تحریف در متن موجود. بنابراین، روایت بر برتری علمی اهل بیت (ع) و اشراف آنان بر کلّ معارف نازل شده دلالت دارد، نه بر کاستی قرآن موجود.

۴. جمع بندی تحلیلی

از بررسی این روایات روشن شد که هیچ‌کدام از این روایات صراحتی در ترتیب تنزیلی سوره‌ها ندارند و اگر عباراتی مانند «کما أنزل» یا «کما نزل» در برخی آمده، در سیاقی قرار دارند که دلالت بر جامعیت، تمامیت و حجیت وحی و تأویل آن‌ها می‌کنند.

برآیند سخن آن‌که مصحف امام علی (ع)، بر اساس روایات، نه صرفاً بازنویسی قرآن به ترتیب نزول، بلکه منبعی جامع‌نگر با محتوای تنزیل، تأویل، ناسخ، منسوخ، احکام و باطن آیات است و چنان‌که امام باقر (ع) تصریح می‌فرماید، اگر در اختیار جامعه قرار می‌گرفت، کفایت آن برای اداره دین و دنیای مردم روشن می‌شد. این مصحف نه صرفاً برای قرائت، بلکه برای مدیریت معرفتی و حکومتی امت اسلامی نگاشته شده بود. بنابر این بنیاد، روایت امام باقر (ع) گره‌گاهی است که دیگر روایات در پرتو آن فهم می‌شوند.

۵. آزمون فرضیه‌ها برای نیل به دیدگاه راجح

۵-۱. فرضیه اول: توقیفی بودن کامل ترتیب سور قرآن

فرضیه: چینش سور قرآن در مصحف امام علی (ع) کاملاً توقیفی و بر اساس ترتیب نزول بوده است، به گونه‌ای که ترتیب فعلی قرآن (مصحف عثمانی) اجتهادی و برخلاف سنت پیامبر (ص) است.

۱-۱-۵. بررسی

الف). ادله موافقان:

۱. روایت‌های متعددی وجود دارد که نشان‌می‌دهد ترتیب سوره‌ها به توقیف پیامبر (ص) بوده است، مانند: «كَانَ الْقُرْآنُ يُعْرَضُ عَلَى النَّبِيِّ كُلَّ عَامٍ مَرَّةً» (بخاری، بی‌تا: ۱۰۲/۶)
۲. استدلال به وجود انسجام اعجاز‌آمیز و پیوند بین سوره‌ها به‌ویژه مسبحات که دلالت بر نظم توقیفی دارد.
۳. نظر علمای شیعه از جمله علامه عسکری که معتقدند: «ترتیب سور توقیفی و بتوقیف النبی (ص) است» (عسکری، بی‌تا: ۲۳۰/۳).

ب). نقدها:

۱. اختلاف مصاحف صحابه:
ابن مسعود در مصحف خود ترتیب را متفاوت از مصحف عثمان داشت و سوره بقره را ابتدا قرار نمی‌داد (، ابن‌ابی‌داوود، بی‌تا: ۵۴).
مصحف اُبی بن کعب حاوی سوره‌های حقد و خلع بود که در قرآن کنونی موجود نیست (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۹۰/۱).
۲. چالش تاریخی:
جمع‌آوری قرآن به‌صورت کامل و در قالب مصحف واحد، به زمان عثمان موکول شده است (خویی، بی‌تا: ۲۴۹).

ج). نقد عقلی:

اگر ترتیب سوره‌ها به‌صورت کامل توقیفی بود، تفاوت‌های مصاحف صحابه قابل توجیه نبود.

اگر این فرضیه را بپذیریم، ناگزیر باید به نوعی تحریف ساختاری در قرآن معتقد باشیم، چراکه ترتیب فعلی قرآن بر خلاف ترتیب نزولی که مصحف علی (ع) ارائه کرده، تنظیم شده است. این فرضیه نه تنها با برخی گزارش‌های تاریخی مبنی بر تدوین کامل قرآن در زمان پیامبر (ص) در تعارض است، بلکه منطقاً نتیجه‌اش نفی قطعی سیره نبوی در نظم و ترتیب قرآن است. به‌ویژه گزارش‌هایی از قرآن‌پژوهانی چون نیشابوری، زرکشی، رامیار و سید مرتضی تأکید دارند که پیامبر اکرم (ص) شخصاً نازل شدن آیات را به کاتب وحی دستور می‌داد تا در محل تعیین شده قرار گیرد: «هرگاه آیه‌ای نازل می‌شد، پیامبر (ص) به کاتب وحی فرمان می‌داد تا آن را در محل خاص خود در قرآن قرار دهد...» (نیشابوری، ۱۳۷۷: ۱۳۰). همچنین وی هشدار داده است: «کسی که بگوید ترتیب قرآن کار عثمان بوده، به‌نوعی به تحریف و سقوط حجیت قرآن قائل شده است».

د). جمع‌بندی

این فرضیه هرچند پشتوانه روایی دارد، اما با شواهد تاریخی و اختلافات مصاحف ناسازگار است (زرکشی، ۱۴۰۸: ۱/۲۶۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۵ق: ۱۳۰/۱۲).

پذیرش این فرضیه در تعارض صریح با التزام مطلق امیرالمؤمنین (ع) به سنت پیامبر (ص) نیز است؛ زیرا امام علی (ع) به عنوان وارث امامت، کسی نیست که بر خلاف پیامبر (ص) عمل کند. لذا؛ این فرضیه علاوه بر بار تحریف ساختاری، از حیث روایی و تاریخی نیز قابل قبول نیست. با وجود پشتوانه‌های روایی ظاهری، این فرضیه در برابر شواهد تاریخی، عقلانی و روایی مستحکم مقاومت نمی‌کند و نیازمند تبیین‌های تکمیلی است.

۲-۵. ارزیابی فرضیه دوم: اجتهادی بودن ترتیب فعلی قرآن به دست صحابه

فرضیه: ابهام روایی درباره ترتیب تنزیلی، امکان اجتهادی بودن چینش فعلی قرآن را به دست صحابه باز می‌گذارد، بدون تعارض با سیره پیامبر (ص) و مصحف علی (ع).

۵-۲-۱. بررسی

الف. ادله موافقان:

۱. گزارش ابن عباس درباره پرسش از عثمان درباره ترتیب سوره‌ها: «لَمْ قَرَأْتُ بَيْنَ الْأَنْقَالِ وَالنُّوَبَةِ؟» (بخاری، بی‌تا: ۲۲۵/۶).
۲. تفاوت‌های محسوس در ترتیب در مصحف ابن مسعود، که با آغاز از سوره علق است.
۳. نظر برخی محققان مانند محمد عبدالعظیم زرقانی که گفته‌اند: «ترتیب السور اجتهادی بعد وفاة النبی» (زرقانی، ۱۳۶۲ق: ۱/۳۹۹).

ب. نقدها:

۱. نقض غرض و حیانی: اگر ترتیب سوره‌ها اجتهادی بود، انسجام و هماهنگی ساختاری قرآن باید تصادفی تلقی شود.
- روایات دلالت‌کننده بر نظارت پیامبر بر ترتیب: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُلَقِّنُنَا السُّورَةَ بَعْدَ السُّورَةِ» (دارمی، ۴۳۴ق: ۲/۴۵۴).
۲. اشکال شرعی: آیت‌الله خویی بیان داشته‌اند: «لو كان الترتیب اجتهادياً لَمَا جاز تَغْيِيرُهُ» (خویی، بی‌تا: ۲۵۳).

ج. جمع‌بندی:

این نظریه در کل با قداست ساختاری قرآن ناسازگار است و به طور کامل قابل قبول نیست، هرچند می‌تواند برخی موارد خاص مانند ترتیب سوره‌های انفال و توبه را توجیه کند (معرفت، ۱۳۹۲: ۱۵۵؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۱۸۷/۱)

۳-۵. فرضیه سوم: تردید در ترتیب قطعی و تأکید بر جامعیت محتوایی مصحف امام علی (ع)

فرضیه: نمی‌توان به قطعیت درباره ترتیب سور در مصحف امام علی (ع) رسید؛ اما یقین داریم که این مصحف، افزون بر متن، مشتمل بر شروح تفسیری، شأن نزول، تأویل‌ها و احکام تفصیلی بوده است.

۱-۳-۵. بررسی

الف. ادله موافقان:

۱. بر اساس روایات اهل بیت، سوره‌های بلند (مثنای و طوال) توقیفی هستند، در حالی که سوره‌های کوتاه‌تر (مفصل) احتمالاً بر اساس اجتهاد صحابه ترتیب یافته‌اند. طبق نظر طبرسی «ترتیب بعض السور توقیفی و بعضه باجتهاد الصحابة» (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ۴۵/۱).

ب. نقدها:

۱. عدم وجود معیار شفاف: تعیین مرز دقیق بین سوره‌های توقیفی و اجتهادی روشن نیست، برای مثال سوره نصر که در جزء ۳۰ و در حجت الوداع نازل شده است.

تناقض با انسجام کلان قرآن: ارتباط مضامین سوره‌هایی چون ضحی، شرح، تین و علق نشان‌دهنده یک نظم واحد است که تقسیم‌بندی را دشوار می‌کند.

۲. اختلاف مصاحف صحابه: حتی سوره‌های بلند مانند بقره در مصحف ابن مسعود در ابتدا قرار نداشت.

ج. جمع‌بندی:

این نظریه نسبت به دو فرضیه پیشین انعطاف‌پذیرتر است، اما فاقد مبنای روشنی برای تفکیک بین بخش توقیفی و اجتهادی است (طباطبایی، ۱۳۷۵ق: ۳۲۲/۲۰؛ زرقانی، ۱۳۶۲ق: ۴۰۵/۱). همچنین با توجه به روایات متعدد و نقل‌های تاریخی، مدت زمان طولانی (حدود شش ماه) که امام علی (ع) صرف جمع‌آوری مصحف خود کرده است، و نیز نقل‌هایی مانند: «لم یسقط

علی حرف واحد من القرآن» (روایت سوم) و «مشتماً علی التنزیل و التأویل و المحکم و المتشابه» (روایت چهارم)، می‌توان دریافت که مصحف امام علی (ع) صرفاً شامل ترتیب آیات نبوده، بلکه به‌عنوان یک مجموعه معرفتی جامع عمل کرده‌است. این مصحف نه‌تنها آیات را به ترتیب نزولی یا توقیفی تنظیم کرده، بلکه شامل مفاهیم تفسیر، تأویل، نسخ و احکام می‌شده که در قرآن فعلی به‌صورت مجزا مطرح هستند. در نتیجه، تمرکز بر ترتیب نزولی یا اجتهادی کمتر اهمیت دارد و نکته اساسی در جامعیت محتوایی و درک عمیق از قرآن است که مصحف امام علی (ع) به بهترین وجه آن را نمایندگی می‌کند. تأکید بر جامعیت و عمق محتوایی مصحف علی (ع) می‌تواند چهارچوبی علمی‌تر و منسجم‌تر برای تحلیل مسائل مربوط به ترتیب سور قرآن باشد، بدون نیاز به قطعی‌سازی اختلافات تاریخی که به اختلاف‌نظرهای بی‌پایان منجر شده‌است.

۴-۵. ارزیابی فرضیه چهارم: توقیف حکیمانه؛ تبیینی نو از نظم سوره‌های

قرآن کریم

یکی از دیدگاه‌های نوین و قابل تأمل در مسأله ترتیب سوره‌های قرآن، فرضیه‌ای است که برخی محققان معاصر همچون علامه طباطبایی و آیت‌الله معرفت مطرح کرده‌اند و می‌توان آن را «فرضیه توقیف حکیمانه» نامید. بر اساس این دیدگاه، نظم کنونی سوره‌های قرآن نه به‌صورت کامل و صریح به‌دستور پیامبر اکرم (ص) (توقیف لفظی و صریح) و نه کاملاً به‌صورت اجتهادی از سوی صحابه پس از وفات آن حضرت، بلکه بر اساس نوعی حکمت الهی و انسجام درونی و با هدایت تدریجی و حی شکل‌گرفته‌است.

۵-۴-۱. تعریف نظریه توقیف حکیمانه

مقصود از «توقیف حکیمانه» آن است که ترتیب سوره‌های قرآن به‌گونه‌ای حکیمانه از جانب خداوند متعال طراحی شده و به‌مرور در بستر نزول، با هدایت جبرئیل و اشراف پیامبر (ص)، تثبیت شده‌است؛ ولی نه لزوماً با امر صریح و نهایی به‌ترتیب مصحف موجود. این دیدگاه، حد واسطی میان دو نظریه مشهور «توقیف صریح» و «ترتیب اجتهادی صحابه» به‌شمار می‌رود و تلاش دارد تا از یک سو، به انسجام شگفت‌انگیز سوره‌های قرآن توجه کند و از سوی دیگر، تفاوت‌های موجود میان مصحف موجود و مصاحف اولیه صحابه را تبیین کند.

(الف). شواهد روایی

از جمله شواهد روایی این دیدگاه، حدیث معروف ابن عباس است که در صحیح بخاری آمده و می‌گوید: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْرَضُ الْقُرْآنَ عَلَى جِبْرِيلَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً، فَلَمَّا كَانَ الْعَامُ الَّذِي فُبِضَ فِيهِ عَرْضَهُ مَرَّتَيْنِ.» (بخاری، بی‌تا: ۱۰۲/۶).

این روایت، حکایت از نوعی نظارت و مطابقت نهایی میان قرآن موجود و اراده الهی دارد که با نظارت جبرئیل در سال پایانی حیات پیامبر رخ داد. روایت دیگری که سیوطی در الاتقان نقل می‌کند نیز مهم است: «كَانَتْ السُّورَةُ تُتْرَلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيَذَعُو بَعْضَ مَنْ يَكْتُبُ، فَيَقُولُ: ضَعُوا هَذِهِ الْآيَاتِ فِي السُّورَةِ الَّتِي يُذَكَّرُ فِيهَا كَذَا وَكَذَا» (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۱۸۵/۱).

این روایت نیز نشان می‌دهد که تعیین محل قرار گرفتن آیات، تابع دستور پیامبر (ص) بود، ولی نسبت به سوره‌ها شواهد کمتری در دست است.

ب. شواهد ساختاری و محتوایی

از دیگر شواهد قابل توجه، انسجام درونی و تناسب مضمونی میان سوره‌های متوالی در قرآن است. برای نمونه، پیوستگی پایان سوره بقره «آیه رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا...» با آغاز سوره آل عمران «الم، الله لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»، دلالت بر ارتباط مفهومی و موضوعی میان این دو سوره دارد. هم‌چنین، ترتیب سوره‌های موسوم به «مُسَبِّحَات» (حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن) که همگی با واژه «سَبَّحَ» آغاز می‌شوند، از انسجامی زبانی و مفهومی خبر می‌دهد که نمی‌توان آن را صرفاً ناشی از تصادف یا اجتهاد بشری دانست (ر.ک: زرکشی، ۴۰۸ق: ۲۵۷/۱).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ضمن تأکید بر نظم درونی قرآن، می‌نویسد: «ترتیب موجود، توقیفی و ناشی از اعلام الهی است... زیرا روابط آیات و سور نشان‌دهنده نظم حکیمانه‌ای است که از عقل بشر خارج است» (طباطبایی، ۱۳۷۵ق: ۱۲۷/۱۲). این سخن، حاکی از پذیرش نوعی نظم الهی در ترتیب سوره‌ها است، بی‌آنکه لزوماً به توقیف صریح و کامل ملتزم شود. آیت‌الله معرفت نیز در کتاب علوم قرآنی تصریح می‌کند که: «ترتیب سوره‌ها در زمان پیامبر (ص) به شکل کنونی نبود، اما مبنای آن بر اساس وحی تنظیم شده بود» (معرفت، ۱۳۹۲: ۱۵۰). ایشان معتقد است که ترتیب نهایی سوره‌ها، برخاسته از حکمت الهی و هدایت پیامبر بود، هرچند ممکن است در عمل تا زمان خلافت خلفای نخستین، تثبیت نهایی نشده باشد.

ج. ارزیابی و تحلیل نهایی

با توجه به مجموعه شواهد تاریخی، ساختاری و روایی، می‌توان گفت که فرضیه توقیف حکیمانه از مقبولیت بالایی برخوردار است. این نظریه توانسته

است از یکسو، تفاوت ترتیب مصحف امام علی (ع) (بر پایه ترتیب نزول) را با مصحف موجود، در چهارچوبی حکیمانه و غیر متعارض تبیین کند و از سوی دیگر، انسجام درونی و ساختاری قرآن را به‌عنوان شاهدهی بر دخالت الهی در ترتیب آن تلقی نماید. در این دیدگاه، ترتیب تنزیلی مصحف امام علی (ع) ناظر به کارکرد تربیتی و تدریجی در عصر نزول بوده، در حالی‌که ترتیب موجود، ناظر به هدایت ساختاری و دائمی برای جامعه اسلامی در ادوار بعدی است. در نتیجه، «توقیف حکیمانه» را می‌توان دیدگاهی میانه، متعادل، و تبیین‌گر دانست که ضمن بهره‌گیری از عناصر سنتی و روایی، با نگاهی ساختاری و تفسیری، به ارائه تحلیلی جامع از نظم سوره‌های قرآن می‌پردازد. چنین نظریه‌ای نه تنها با شواهد قرآنی و تاریخی همخوان است، بلکه ظرفیت بالایی برای حل تعارضات تاریخی و تفسیرهای گوناگون در خود دارد.

۵-۵. ارزیابی فرضیه پنجم: تکامل تدریجی ترتیب سوره‌ها

۱-۵-۵. تعریف فرضیه

فرضیه «تکامل تدریجی ترتیب» معتقد است که ترتیب سوره‌های قرآن در دوران حیات پیامبر اکرم (ص) به‌صورت گام‌به‌گام شکل گرفته و پس از رحلت ایشان، به‌دست صحابه به‌ویژه در دوره عثمان تثبیت شده است. این فرضیه میان دو دیدگاه «توقیف کامل پیامبر» و «اجتهاد محض صحابه» قرار می‌گیرد و نشان‌دهنده فرایندی تدریجی و تاریخی در ساماندهی ترتیب سوره‌ها است.

ب. شواهد تاریخی

۱. اختلاف مصاحف صحابه: مصحف ابی بن کعب ترتیب متفاوتی داشت؛ به‌عنوان نمونه، سوره‌های انفال و برائت در مصحف او با ترتیب خاصی ضبط شده بودند (ابن ابی‌داوود، بی‌تا: ۱۸۲). نیز، مصحف عبدالله بن مسعود با مصحف عثمان تفاوت داشت و آغاز آن با سوره بقره نبود (سیوطی، ۱۴۲۸: ۱/۱۹۰). این اختلافات بیانگر آن است که ترتیب نهایی در دوران پیامبر به‌صورت قطعی تثبیت نشده بود.

۲. روایت ابن عباس: روایت پرشش ابن عباس از عثمان در مورد جایگاه سوره توبه و انفال دلالت بر اجتهاد صحابه در تدوین نهایی ترتیب دارد (بخاری، بی‌تا: ۲۲۵/۶).

ج). شواهد روایی

در روایات آمده است که عثمان دستور داد مصاحف را از صحیفه‌های مختلف جمع‌آوری و یکسان‌سازی کند (بخاری، بی‌تا: ۱۹۱/۴)، که این امر نشان‌دهنده تکمیل و تثبیت ترتیب در دوران او است.

د). تحلیل ساختاری

برخی سوره‌ها مثل سبع طوال (هفت سوره بلند: بقره تا توبه) و گروه حوامیم (سوره‌هایی که با «حم» شروع می‌شوند) در زمان پیامبر ترتیب ثابتی داشتند (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/۱۸۷). سایر سوره‌ها مانند نصر و مسد که در انتهای قرآن جای گرفته‌اند، بعدها و در تنظیم نهایی جای خود را یافتند.

جدول شماره ۱

ملاک ارزیابی	نتیجه	توضیح
شواهد تاریخی	بسیار قوی	مستند به منابع متواتر اهل سنت
انسجام درونی	متوسط	برخی سوره‌ها ارتباط نزدیک دارند، اما کل ساختار منسجم نیست
قابلیت نقدپذیری	بالا	وجود اختلاف در مصاحف کهن
قابلیت تطبیق	عالی (با مصحف امام علی (ع))	توجه تفاوت ترتیب به عنوان نسخه پیشاتثبیت

۲-۵-۵. نقاط قوت و ضعف فرضیه پنجم

الف). نقاط قوت:

۱. توضیح علت اختلاف ترتیب در مصاحف صحابه به عنوان بازتاب مراحل تکامل.

۲. همخوانی با روایات جمع‌آوری قرآن در عصر عثمان.

۳. حل نسبی تعارض نقش پیامبر و اجتهاد صحابه در تدوین ترتیب.

ب). نقاط ضعف:

۱. ابهام درباره ترتیب دقیق برخی سوره‌های کوتاه و مستقل.

۲. چالش‌های شرعی، به‌ویژه نقدهایی که می‌گویند اگر ترتیب اجتهادی بود، تغییر آن جایز نبود (نقد آیت‌الله خویی).

ج). نسبت با مصحف امام علی (ع)

مصحف امام علی (ع) ممکن است نمایانگر مرحله‌ای از این تکامل تدریجی باشد که پیش از تثبیت عثمانی وجود داشته است. ترتیب آن می‌تواند بر اساس ترتیب نزول (تنزیلی) باشد و از جانب پیامبر (ص) به امام علی (ع)

منتقل شده‌باشد؛ لذا تفاوت آن با مصحف عثمانی قابل توجیه است و با قداست قرآن منافاتی ندارد.

۳-۵-۵. برآیند نهایی فرضیه پنجم

فرضیه «تکامل تدریجی ترتیب» بر اساس شواهد تاریخی و روایی مستدل، در میان محققان اهل سنت پذیرفته شده‌است و تفاوت‌های ترتیب سوره‌ها را به‌عنوان بازتاب فرآیند تاریخی تدریجی توضیح می‌دهد. این فرضیه می‌تواند به‌خوبی اختلاف ترتیب مصحف امام علی (ع) را توجیه کند و نشان‌دهد که نسخه‌ای پیشاتثبیت و مستند به آموزش مستقیم پیامبر است. با این‌حال، این نظریه در منابع شیعی با دقت و احتیاط بررسی می‌شود و نقدهای شرعی نیز بر آن وارد است.

جدول شماره ۲: مقایسه فرضیه‌ها درباره ترتیب سوره‌های قرآن

ردیف	فرضیه	نقاط قوت	نقاط ضعف	میزان تطبیق با مصحف امام علی (ع)	دیدگاه نمایندگان شاخص
۱	توقیف کامل	پشتوانه روایی قوی؛ تأکید بر انسجام اعجاز آمیز سوره‌ها	تعارض با اختلاف در مصاحف صحابه؛ توجیه‌ناپذیری تغییرات تاریخی	ناسازگاری با ترتیب تنزیلی مصحف امام علی (ع)	علامه عسکری، سیوطی، برخی روایات اهل بیت
۲	اجتهادی کامل	توجیه اختلاف مصاحف؛ تطبیق با روند تاریخی جمع قرآن	تقلیل جنبه وحیانی و الهی ساختار قرآن؛ چالش با روایات نقل ترتیب	قابلیت توجیه تفاوت مصحف امام علی (ع) به عنوان نسخه بدیل	زرقاتی، ذهبی، برخی اهل سنت
۳	ترکیبی (برخی توقیفی، برخی اجتهادی)	انعطاف نظری؛ پذیرش نسبی هر دو رویکرد	نبود معیار روشن برای تفکیک؛ مشکل در تعیین حدود توقیف/اجتهاد	نسبی و وابسته به نوع سوره (طوال، مفصل، مثنی)	طبرسی، برخی از اهل سنت و شیعه
۴	توقیف حکیمانه	تلاش برای توجیه تفاوت مصاحف با نگاه حکمت‌محور؛ تلفیق وحی و تدبیر	نیاز به تبیین فلسفه الهی برای ترتیب غیر تنزیلی؛ کمتر مستند به نص صریح	سازگار با رویکرد امام علی (ع) به عنوان تبیین‌گر حکمت الهی	نظریه پیشنهادی برای پژوهش؛ قابل توسعه بر مبنای میزان
۵	تکامل تدریجی تاریخی	هماهنگ با روند تدریجی وحی و نگارش؛ قابل انطباق با واقعیت تاریخی مصاحف مختلف	ممکن است در نگاه اول قدسیت ساختار نهایی قرآن را کم‌رنگ جلوه دهد.	مصحف امام علی (ع) را مرحله‌ای از این تکامل معرفی می‌کند.	برخی محققان معاصر، تحلیل‌گران روند تاریخی جمع قرآن

۶. تحلیل انتقادی دیدگاه جامعیت‌محور در بازخوانی مصحف امام علی (ع)

دیدگاه نوپیشنهاد مبنی بر تمرکز بر جامعیت محتوایی در تفسیر تعبیر «کما أنزل»، به جای تطبیق آن با ترتیب تنزیلی قرآن، گرچه در افق‌های تفسیری تازه‌ای می‌گشاید، اما بی‌شک با نقدها و چالش‌های قابل‌توجهی نیز مواجه است. منتقدان این رویکرد که طیف متنوعی از اندیشمندان سنت‌گرا تا قرآن‌پژوهان معاصر را شامل می‌شوند، چهار محور اصلی را در نقد این دیدگاه مطرح کرده‌اند که در ادامه به تبیین آن‌ها و ارائه پاسخ‌های تحلیلی می‌پردازیم.

۶-۱. تأویل‌گرایی افراطی در تفسیر «کما أنزل»

یکی از نخستین نقدها از سوی پژوهشگران ظاهرگرا، از جمله جعفر نکونام، بر محور تفسیر واژه «کما أنزل» وارد شده است. وی بر آن است که این تعبیر، به وضوح به تطابق ساختار مصحف با ترتیب نزول اشاره دارد و هرگونه حمل آن بر جامعیت محتوایی خلاف ظاهر روایات است (نکونام، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

در پاسخ به این نقد، می‌توان با استناد به سیاق روایات به تفسیر بدیل پرداخت. در روایت مورد استناد، تعبیر «کما أنزل» بلافاصله پس از عبارت «ألفته كما أمرني رسول الله (ص)» آمده و از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که محور اصلی در این تعبیر، اطاعت از فرمان پیامبر (ص) است، نه الزاماً رعایت ترتیب زمانی نزول. افزون بر این، روایت امام صادق (ع) در الکافی که می‌فرماید: «إنما هو تأويل ما أنزل الله»، مؤید آن است که «کما أنزل» می‌تواند ناظر به تأویل جامع و تفسیری از قرآن باشد، نه لزوماً ترتیب تنزیل.

۲-۶. تعارض با روایت صریح درباره تفاوت ساختار

نقد دوم ناظر به تضاد احتمالی این دیدگاه با روایت معروف امام باقر (ع) است که می‌فرماید: «أليس كما يقرأه الناس»، به این معنا که قرآن نزد ما ساختار متفاوتی دارد (مفید، بی‌تا: ۳۰۱). منتقدان، بر این اساس، تفاوت را در ساختار ظاهری و ترتیبی می‌دانند، نه در لایه‌های معنایی و تفسیری.

در مقام پاسخ باید گفت: این روایت، بیش از آن که به تفاوت چینش ظاهری سوره‌ها و آیات اشاره کند، ناظر به افزودگی‌های تفسیری در قرائت اهلبیت (ع) است. این افزوده‌های تفسیری، قرائت ایشان را «غریب» جلوه می‌دهد، نه اینکه مصحف‌شان به لحاظ ظاهری متفاوت باشد. مؤید این تحلیل، ادامه همان روایت است که می‌فرماید: «حتى يأتي على الناس زمان يقرؤونه كما أنزل»، که دلالت بر بازگشت به تمامیت معارف قرآن دارد، نه الزاماً ساختار زمانی آن. در تأیید این تحلیل، می‌توان به برداشت ارائه شده در مکیال المکارم (موسوی اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲/۲۱۵) نیز استناد کرد.

ساختار قرآن کریم به نوعی است که اصل و ریشه همه مباحث در آن آمده و جزئیات در سنت بیان شده است؛ چنان که در روایتی از معصوم آمده است که اصل تشریح نماز در قرآن آمده ولی بیان تعداد رکعات نمازها بر عهده رسول خدا گذاشته شده تا بر مردم ابلاغ شد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲/۶۳). بنابراین مشخص می‌شود که ساختار مصحف امام علی (ع) با قرآن متفاوت است؛ چراکه بسیاری از جزئیات احکام مانند «ارش خدش» و دیه خراشیدگی پوست در آن بیان شده است. پر واضح است که بر اساس ساختار قرآن از لحاظ کمیت، امکان بیان چنین جزئیاتی وجود ندارد.

از سوی دیگر در بعضی روایات بیان شده که نام منافقان در مصحف امام علی (ع) آمده است. با توجه به رفتار مسالمت آمیز رسول خدا (ص) با منافقان که اسرار آنان را مکتوم و پنهان می‌داشت و آنان را نسبت به اسلام دلگرم می‌کرد، چگونه ممکن است وی نام آن‌ها را در قرآن بیاورد و آنان را رسوا کند و سپس، تمام مسلمانان و حتی خود آنان (منافقان) را دستور دهد تا بر منافقان، شب و روز نفرین کنند (خویی: ۱۳۸۸: ۲۸۴-۲۸۸). بنابراین، وجود اضافات و زیادت‌های موجود در مصحف امیر مؤمنان را باید در ساختار تفسیر و شرح آیات تبیین کرد و مصحف امام علی (ع) را شرح و تفسیر قرآن دانست و از این رو تفاوت چینش و مطالب قابل توجیه خواهد بود.

۳-۶. غفلت از شواهد تاریخی اختلاف مصاحف

برخی از محققان اهل سنت، مانند ابن ابی‌داوود در المصاحف (ابن ابی‌داود، ۴۲۳ق: ۱۸۰)، با استناد به گزارش‌هایی پیرامون تفاوت‌های ترتیبی میان مصاحف، این دیدگاه جامعیت‌محور را زیر سؤال می‌برند. از نظر آنان، اگر مصحف علی (ع) صرفاً تفسیری بوده، این حجم از تفاوت در ترتیب سوره‌ها چگونه قابل توجیه است؟

در پاسخ، باید به تمایز میان گزارش‌های روایی و واقعیت تاریخی توجه داشت. بسیاری از نقل‌های مربوط به تفاوت‌های ترتیبی، متأخر، ضعیف‌السند یا ناظر به نسخ تفسیری و شخصی‌اند، نه به اصل مصحف تدوین‌شده امام علی (ع). چنان‌که آقابزرگ تهرانی در الذریعة (آقا بزرگ تهرانی، ۴۰۸ق: ۳۲/۲۰) یادآور می‌شود، این تفاوت‌ها غالباً یا فاقد سند معتبرند یا باید بر تفاسیر خاص و نه نسخه رسمی قرآن حمل شوند.

۴-۶. عدم تبیین کارکرد مصحف موازی

نقد چهارم، این پرسش بنیادین را مطرح می‌سازد: اگر مصحف امام علی (ع) صرفاً تبیین و تأویل قرآن موجود بود، چه ضرورتی برای تدوین آن به عنوان مصحفی مستقل وجود داشت؟ این پرسش را قرآن‌پژوهی چون محمدهادی معرفت در التمهید مطرح کرده است (معرفت، ۴۱۵ق: ۱۳۰/۶).

در پاسخ، می‌توان کارکرد مصحف امام را در سطحی بالاتر، یعنی در عرصه حکمرانی و تمدن‌سازی تحلیل کرد. این مصحف، نه یک نسخه بدیل، بلکه منشور اداره جامعه ایمانی بود که علاوه بر متن قرآن، حامل تفاسیر راهبردی، نسبت‌دهی‌های آیات با مسائل سیاسی، اقتصادی، قضایی و حکومتی بود. شواهدی چون روایت «مشمتمل علی تأویل آیات الحکومة و القضاء»

(مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۹۷/۸۹) نیز این کارکرد را تأیید می‌کند. به‌عنوان جمع‌بندی باید گفت تحلیل پیشنهادی تمرکز بر «جامعیت محتوایی» در بازخوانی تعبیر «کما أنزل»، ضمن آن‌که افق‌های تفسیری و تمدنی تازه‌ای می‌گشاید، باید خود را در برابر نقدهای روشمند علمی از جمله تأویل‌گرایی، تعارض با روایات، شواهد تاریخی و پرسش از کارکرد اثبات‌کنند. در این مسیر، بهره‌گیری از روایات معتبر، تفکیک سطوح ظاهر و معنا، و تبیین کاربردهای تمدنی مصحف امام علی (ع)، می‌تواند به استواری این دیدگاه کمک شایانی کند.

۷. نتیجه

مسألهٔ تفاوت میان مصحف امام علی (ع) و قرآن رایج، از مباحث حساس و پُرچالش در حوزهٔ علوم قرآنی است؛ موضوعی که در کنار داده‌های تاریخی، در روایات اهل بیت (ع) به‌ویژه در بستر گفت‌وگوهای مهدوی جایگاهی خاص یافته‌است. پژوهش حاضر با تحلیل روایات معتبر، بررسی فرضیه‌های محتمل و ارزیابی نسبت مصحف علی (ع) با قرآن موجود، به نتیجه‌ای راه‌گشا در این عرصه دست‌یافته‌است. بر اساس تحلیل روایات، هیچ‌یک از گزارش‌ها صراحتی بر ترتیب نزولی سوره در مصحف علی (ع) ندارند؛ بلکه مفاهیمی چون «کما أنزل الله»، «لم یسقط منه حرف»، «ظاهره و باطنه» و «مشتماً علی التأویل و التذلیل» ناظر بر جامعیت، بی‌کم‌وکاست بودن و تفسیری بودن مصحف امام است. این مفاهیم، با کنار هم قرار گرفتن، ما را به سوی این فرضیه‌ها هدایت می‌کنند: فرضیهٔ توقیفی بودن کامل، اجتهادی بودن ترتیب فعلی، تردید در ترتیب قطعی با تأکید بر جامعیت مصحف علی (ع)، و در نهایت فرضیهٔ توقیف حکیمانہ. یافته‌های تحقیق نشان داد که هیچ‌یک از این فرضیه‌ها به‌تنهایی پاسخگوی تمام شواهد نقلی، تاریخی و عقلی نیست و هریک با چالش‌هایی مواجه‌اند. فرضیهٔ توقیفی بودن کامل، اگرچه از پشتوانه‌های روایی برخوردار است، اما با شواهد تاریخی مانند اختلاف مصاحف صحابه و تأخیر در تدوین نهایی قرآن در زمان عثمان سازگار نیست و مستلزم پذیرش نوعی تحریف ساختاری است که با اصول مسلم اسلامی در تعارض قرار می‌گیرد. فرضیهٔ اجتهادی بودن نیز قداست ساختاری قرآن را مخدوش می‌کند و عملاً وحدت متنی قرآن را به مخاطره می‌اندازد.

در این میان، فرضیهٔ سوم با تمرکز بر جامعیت محتوایی مصحف امام علی (ع) راهی قابل قبول ارائه می‌دهد و با تأکید بر نقش امام در حفظ و تفسیر قرآن، از افتادن در دام تحریف یا اجتهاد صرف می‌پرهیزد؛ هرچند هنوز در

تعیین معیار روشنی برای مرز توقیف و اجتهاد با چالش مواجه است. اما سرانجام، آنچه به عنوان دیدگاه راجح می‌تواند مطرح شود، نظریه «توقیف حکیمانه» است؛ دیدگاهی که بر پایه بینش علامه طباطبایی و آیت‌الله معرفت، هم تقدس متن قرآن را حفظ و هم واقعیت تاریخی فرایند تدریجی تدوین آن را لحاظ می‌کند. این دیدگاه با در نظر گرفتن هدایت الهی، اشراف پیامبر اکرم (ص) و نقش تأییدی جبرئیل، فرایند تثبیت تدریجی نظم سوره‌ها را نه اجتهادی صرف و نه توقیفی منفعل، بلکه حکیمانه، الهی و هدفمند می‌داند. بنابراین، در فضای پرچالش اختلافات تاریخی و روایت‌شناختی، پذیرش نظریه توقیف حکیمانه می‌تواند راهکاری عقلانی، روایی و کلامی برای درک نظم سوره‌های قرآن کریم فراهم آورد؛ راهی که هم اصالت وحی را حفظ می‌کند و هم از افتادن در ورطه تحریف یا نسبی‌گرایی در امان می‌ماند. در سایه این نگاه، مصحف علی (ع) نیز به عنوان مجموعه‌ای جامع، تفسیری و تأویلی، نه بدیلی برای قرآن فعلی، بلکه مکملی معرفتی برای فهم عمیق‌تر از ساختار، محتوا و حکمت قرآن تلقی می‌شود.

کتابنامه

- قرآن کریم.
الوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن‌الجزی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). التسهیل لعوم التنزیل. بیروت: دارالارقم بن ابی‌الارقم.
ابن‌ضریر، محمد بن ایوب. (۱۴۰۸ق). فضائل القرآن و ما انزل القرآن بمکه و ما انزل بالمدينه. دمشق: دارالفکر.
ابن‌فارس، احمد. (۳۹۹ش). معجم مقاییس اللغه. محقق، عبدالسلام محمد هارون. بیروت: انتشارات دارالفکر.
ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان‌العرب. بیروت: انتشارات دار صادر.
اظهري مبارکپوری، کرار حسین. (۳۸۴ش). حقایق پیرامون مصحف فاطمه. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی مدرسه فقه و معارف اسلامی.
ایازی، سیدمحمدعلی. (۳۸۰ش). مصحف امام علی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
برزگر، محمد. (۳۹۷ش). پایان‌نامه چیش نظامند سوره‌ها در قرآن کریم. قم: دانشگاه مذاهب اسلامی.

- بهجت‌پور، عبدالکریم. (۱۳۹۲ش). تفسیر تنزیلی (مبانی، قواعد و فوائد). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- تجری، محمد علی و همکاران. (۱۳۹۴ش). «واکاوی روایات شیعی در ترتیب نزولی بودن مصحف امام علی» مشهد: آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- جفری، آرتور. (۱۳۹۲ش). مقدمتان فی علوم القرآن. قاهره: مکتبه الخانجی.
- حجتی، سید محمدبقر. (۱۳۶۰ش). پژوهشی در تاریخی قرآن کریم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خرقانی، حسن. (۱۳۷۸ش). «وحيانی بودن ساختار قرآن». پژوهش‌های قرآنی، ویژه نامه امام خمینی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: بی‌جا.
- رامیار، محمود (۱۳۶۹ش). تاریخ قرآن. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله. (۱۴۰۸ق). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دارالفکر.
- زرقانی، محمدعبدالعظیم، (۱۳۶۲ق). مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۹۹ش). بنیادالبلاغه. بیروت: انتشارات دار صادر.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۲۱ق). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالکتب العربی.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی. (۱۴۱۴ق). اعتقادات امامیه. چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید.
- (۱۳۹۵ق)، کمال‌الدین و تمام النعمه. محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد. محسن کوچه‌باغی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۵ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج. محمدبقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تهران: مکتبه‌المرتضویه.
- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، (۱۲۷۱ق). الفهرست، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- العاملی، جعفر مرتضی. (بی‌تا). حقایق الهامه حول القرآن الکریم. بیروت: دارالصفوه.

- عسگری، سید مرتضی. (۱۴۲۴ق). القرآن الکریم و روایات المدرستین. قم: انتشارات دانشکده اصول دین.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). العین. انتشارات هجرت.
- فرشچیان، رضا. (۱۳۸۷ش). امام علی و مبانی علوم قرآنی. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۳۷۷ش). دانش الیقین فی اصول الدین. قم: انتشارات بیدار.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷ش). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ش). الجامع لاحکام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: انتشارات الصدر.
- کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق). اختیار معرفه الرجال، مشهد: موسسه نشر دانشگاهی مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (بی تا). اصول الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (بی تا). بحار الانوار فی اخبار الانمه الاطهار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ش). التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معرفت، محمد هادی. (۱۴۱۵ق). التمهید فی علوم القرآن. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- معرفت، محمد هادی، (۱۳۹۲ش). علوم قرآنی، قم: مؤسسه التمهید.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق). المسائل السروییه. قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم.
- موسوی اصفهانی، محمدنقی، (۱۴۰۴ق). مکیال المکارم، قم: مؤسسه الامام المهدی (عج).
- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم. (بی تا). البیان فی تفسیر القرآن. مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- مهدوی راد، محمد علی. (۱۳۸۴ش). «میراث مکتوب علوی». علوم حدیث. شماره های ۳۷-۳۸.
- ناصرحیان، علی اصغر. (۱۳۸۹ش). «مصحف علی از منظر احادیث»، آموزه های قرآنی.
- نکونام، جعفر. (۱۳۸۲ش). پژوهشی در مصحف امام علی. رشت: کتاب مبین.
- نهاوندی، محمد. (۱۳۸۶ش). نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد بعثت.

Bibliography

- Alusi, Sayyid Mahmoud (1415 AH), Tafsir Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-A'zim, Beirut: Dar al-Kutb al-Ilmiyah. [in Arabic]
- Ibn al-Jazi, Muhammad ibn Ahmad (1416 AH), Al-Tashil li'l-Uloom al-Tanzil, Beirut: Dar al-Arqam ibn Abi al-Arqam. [in Arabic]
- Ibn Dhari, Muhammad ibn Ayyub (1408 AH), Fadha'il al-Quran wa ma anzal al-Quran bamka wa ma anzal bal-Madinah, Damascus: Dar al-Fikr. [in Arabic]
- Ibn Faris, Ahmad (1399 SH), Mu'jam al-Maq'ays al-Lughah, Muqhaq, Abdul-Salam Muhammad Haroon, Beirut: Dar al-Fikr Publications. [in Arabic]
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1414 AH), Lisan al-Arab, Beirut: Dar al-Sader Publications. [in Arabic]
- Azhari Mubarakpuri, Karrar Hussein (1384 SH), Facts about the Mushaf of Fatima, Qom: World Center for Islamic Sciences, Islamic Fiqh and Ma'arif School. [in Arabic]
- Ayazi, Seyyed Mohammad Ali (1380 SH), Mushaf of Imam Ali, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran. [in Persian]
- Barzegar, Mohammad (1397 SH), Thesis, Systematic Arrangement of Surahs in the Holy Quran, University of Islamic Schools. [in Persian]
- Bahjatpour, Abdul Karim (1392 SH), Tafsir Tanzili (Fundamentals, Rules and Benefits), Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran. [in Persian]
- Tajari, Mohammad Ali et al. (1394 SH), Analysis of Shiite Narratives in the Descending Order of the Mushaf of Imam Ali, Mashhad: Quranic Teachings of Razavi University of Islamic Sciences. [in Persian]
- Jaffrey, Arthur (1392 SH), Moghadamtan fi Ulum al-Quran, Cairo: Maktaba al-Khanji. [in Arabic]
- Hojjati, Seyyed Mohammad Baqir (1360 SH), Research in the History of the Holy Quran, Tehran: Islamic Culture Publishing House. [in Persian]
- Kharaghani, Hassan (1378 SH), The Revelation of the Structure of the Quran, Special Quranic Researches of Imam Khomeini. [in Persian]
- Raghib Isfahani, Hussein bin Muhammad (1412 AH), Al-Mufradat fi Gharib al-Quran, Damascus: Bi Na. [in Arabic]
- Ramyar, Mahmoud (1369 SH), History of the Quran, Tehran: Amir Kabir Publications. [in Persian]
- Zarkashi, Badr al-Din Muhammad bin Abdullah (1408 AH), Al-Burhan fi Ulum al-Quran, Beirut: Dar al-Fikr. [in Arabic]
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1399 SH), Al-Balagha Foundation, Beirut: Dar Sader Publications. [in Arabic]
- Suyuti, Jalal al-Din (1421 AH), Al-Itqan fi Ulum al-Quran, Beirut: Dar al-Kutb al-Arabi. [in Arabic]
- Saduq, Muhammad bin Ali bin Hussein bin Babuyyah Qomi (1414 AH), Iqtidat al-Imamiyah, 2nd edition, Qom: Sheikh Mufid Congress. [in Arabic]

- Sadouq, Muhammad ibn Ali ibn Husayn ibn Babawayh Qomi (1395 AH), Kamal al-Din and Tamam al-Naamah, researcher, corrector, Ghaffari, Ali Akbar, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyyah, second edition. [in Arabic]
- Saffar, Muhammad ibn Hassan (1404 AH), Basair al-Darajat fi Fadha'il al-Muhammad, researcher, Mohsen Kocheh Baghi, Qom: Maktaba Ayatollah Marashi Najafi. [in Arabic]
- Tabarsi, Ahmad ibn Ali (1403 AH), Al-Ihtaj al-ahl al-Lajaj, researcher, Muhammad Baqir Khurasan, Mashhad: Nash-e-Mortaza. [in Arabic]
- Turahi, Fakhr al-Din ibn Muhammad (1375 SH), Majma' al-Bahrain, Tehran: Maktaba al-Mortazawiyah. [in Arabic]
- Al-Amili, Ja'far Mortaza (b.e.), Haqqa'at al-Ilhamah hawla al-Quran al-Karim, Beirut: Dar al-Safwa. [in Arabic]
- Asgari, Seyyed Morteza (1424 AH), The Holy Quran and the Hadiths of the Madrasas, Qom: Publications of the Faculty of Principles of Religion. [in Persian]
- Farahidi, Khalil bin Ahmad (1410 AH), Al-Ain, Hijrat Publications. [in Arabic]
- Farshchian, Reza (1387 SH), Imam Ali and the Foundations of Quranic Sciences, Kerman: Shahid Bahonar University. [in Persian]
- Faiz Kashani, Mohammad bin Shah Morteza (1415 AH), Danesh al-Yaqeen fi Usul al-Din, Qom: Bidar Publications. [in Arabic]
- Qurashi, Seyyed Ali Akbar (1377 SH), Tafsir Ahsan al-Hadith, Tehran: Bisrat Foundation, Tehran. [in Persian]
- Qurtubi, Mohammad bin Ahmad (1364 SH), Al-Jami' Lahkam al-Quran, Tehran: Nasser Khosrow Publications. [in Arabic]
- Faiz Kashani, Mullah Hassan (1415 AH), Tafsir al-Safi, Tehran: Al-Sadr Publications. [in Arabic]
- Kulayni, Muhammad ibn Yaqub (b.a.), Usul al-Kafi, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [in Arabic]
- Majlisi, Muhammad Baqir ibn Muhammad Taqi (b.a.), Bihar al-Anwar fi Akhbar al-Aimma al-Ithhar, Beirut: Dar al-Ihya al-Turat al-Arabi. [in Arabic]
- Mustafavi, Hassan (1360 SH), Al-Tahqiq fi Kalamat al-Quran, Tehran: Book Translation and Publishing Agency. [in Arabic]
- Marefat, Muhammad Hadi (1415 AH), Al-Tamhid fi Ulum al-Quran, Qom: Islamic Publishing Institute. [in Arabic]
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad ibn Numan (1413 AH), Al-Masal al-Surawiyah, Qom: Sheikh Mufid Qom World Congress Publications. [in Arabic]
- Mousavi Khoei, Sayyid Abul-Qasim (b.a.), Al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Institute for the Revival of Imam Khoei's Works. [in Arabic]
- Mahdavi Rad, Mohammad Ali (1384SH), The Written Legacy of the Alawis, Hadith Sciences, Nos. 37-38. [in Persian]
- Nasahian, Ali Asghar (1389 SH), The Mushaf of Ali from the Perspective of Hadiths, Quranic Teachings. [in Persian]

بازخوانی مصحف امام علی (ع) در پرتو نظریهٔ توقیف حکیمانہ؛ ... / موسوی ۳۷۵

Neknam, Jafar (1380 SH), A Study in the Mushaf of Imam Ali, Rasht: Kitab Mobin. [in Persian]

Nahavandi, Mohammad (1389 SH), The Breaths of the Almighty in the Interpretation of the Quran, Researcher, Qom: Bi'yat Foundation. [in Arabic]

